

دو محمود و دو تفکر در برابر هم

بیست دوم فروردین ماه هشتاد و شش

محمد محمدی

کی مبارز و دارای تفکر انسانی و دیگری به شدت مرتجع و معتقد به تفکرات ضد انسانی!

در حال حاضر دو محمود و دو تفکر به شدت در برابر هم و مورد توجه مردم قرار دارند. اولی آقای محمود احمدی نژاد رئیس جمهور نظام جمهوری اسلامی ایران قداره بندی که دارد هر روز بیش از روز دیگر مردم و مدنیت جامعه را بسوی جنگ، انزوای بین المللی و در واقع بسوی از هم پاشیدگی سوق می دهد. رئیس جمهور نظامی که تنها مسئله ای که برایش مهم نیست سرنوشت و زندگی ۷۰ میلیون مردم ایران است. نظامی که تمام تلاش این است با سرکوب کارگران و مردم به جان آمده چند صبحی بیشتر بر مردم حکومت و از این طریق مدت بیشتری کارگران و زحمتکشان ایران را استثمار نماید.

حمله به کارگران، دستگیری زندانی کردن فعالین کارگری و انسانهای آزادیخواه از طرف حاکمیت در جهت پیش برد این اهداف انجام میگیرد. این محمود و نظامش مدافع اعدام، سنگسار، استثمار، جنگ و خون ریزی و مدافع تفکرات ارتجاعی و ضد انسانی اند. این محمود هیچ وقت بخاطر دفاع از حقوق خود و دیگران یک ساعت به زندان نرفته مورد شکنجه و اذیت آزار قرار نگرفته است. هیچ وقت در دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان قدمی بر نداشته است. به همین علتها کارگران، زنان، دانشجویان و مردم آزادیخواه ایران از این محمود نفرت دارند و آرزو دارند رئیس جمهورشان همراه با نظام و تفکرات ارتجاعیش به زباله دان تاریخ سپرده شوند!

محمود صالحی کارگر خباز، اگر اشتباه نکنم از سن ۹ سالگی کارگری را شروع کرده است. همان موقع که هم سن و سالهایش مشغول بازی و روی نیمکتهای مدرسه درس می خواندند ایشان داشت با استثمار، حق کشی و بیعدالتی آشنا و راه مبارزه با آن را می آموخت. سن زیادی نداشت که همراه تعدادی دیگر از دوستانش برای دفاع از حقوق کارگران سندیکای کارگران خباز را تاسیس کردند. محمود حدود ۳۰ سال است که همکار آتش تنور نانوا خانه است. محمود همراه کار شکاف طبقاتی، استثمار و حق کشی را لمس کرد و با کار آب دیده شد. این کارگر تا به امروز بیش از شش سال از عمر مفید خود را در دفاع از حقوق خود، کارگران، زنان، جوانان و در دفاع از حرمت انسانی انسانها در زندانهای مختلف جمهوری اسلامی سپری کرده است. بارها و بارها مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار گرفته است. در اثر شکنجه، شکنجه گران نظام جمهوری اسلامی دچار فتنه، شکستگی ناخنهای دست، پا و دندهایش شده است.

بارها برای تحت فشار قرار دادنش باعث خواب، نوشیدن مایعات و در اختیار داشتن داروهایش شده اند. بارها ممنوع الملاقات و به سلولهای انفرادی انتقال داده شده است. با این اوصاف محمود از مبارزه اش برای بدست آوردن حقوق خود و دیگران دست نکشیده است. ایشان همراه با کار به کارگران آگاهی داد و آگاه شد، مدافع حقوق کارگران و

زحمتکشان شد. و در این راه نا ملایمات را به جان خرید. مبارزات چندین ساله محمود برای شخص خودش تا به حال چیزی به همراه نداشته است. اما! باعث شده است که دهها نفر بتوانند به حقوق اولیه خود که به فکرشان هم نمی رسید برسند و راه مبارزه برای زندگی بهتر را بیاموزند.

محمود برگزاری مراسم اول ماه مه را از کوه به سالن و در آخر به خیابان کشاند. محمود سنت شکنی کرد و با افتخار دارد بهای این سنت شکنی را میپردازد. چیزی برای خود نمی خواهد با دلخوشی دیگران دلخوش و از رنج دیگران در عذاب است. محمود محبوب و مورد احترام کارگران، زنان، جوانان، زحمتکشان و تمام مردم آزادیخواه است.

کارگری حق طلب و مبارزی در ایران نیست که محمود را شناسد و برای مبارزاتش احترام قائل نباشید او حتی مورد احترام مخالفان سیاسیش هم هست. زیرا کوه استواری است که با این زلزله ها نمی لرزد. هیچ وقت یادم نمی رود که در برابر درخواست گودینی که میخواست و درخواست می کرد که محمود تقاضای عفو بنویسد تا آزاد شود گفت " به آقای گودینی بگوید جرمی مرتکب نشده ام تا تقاضای عفو کنم". من یک کارگرم دفاع از حق خودم جرم نیست. حالا ایشان به یک سال زندان تعزیری و سه سال حکم تعلیقی محکوم شده است. اگرما کارگران، ما فعالان کارگری، ما آزادیخواهان اجازه دهیم جمهوری اسلامی محمود را در زندان نگهدارد تاریخ ما را نخواهد بخشید. نباید اجازه دهیم این کارگر مبارز در زندان بماند. زندانی شدن محمود یعنی پیروزی ارتجاع، یعنی بازگشت به عقب و باز پس گیری دست آوردهای چند سال گذشته کارگران!

در دفاع از محمود صالحی و مبارزاتش همه با هم متحد شویم!

زنده باد محمود صالحی!

محمد محمدی

Mohammadi1917@yahoo.com